

بررسی و نقد سلب آزادی افراد تا زمان ادای دیون مالی در دعاوی مطالبه مهریه^۱

ابراهیم عزیزی^۲
فرهاد عباسی^۳

چکیده

فلسفه مهریه اظهار علاقه مرد به زن برای شروع خوشبختی‌هاست. به محض وقوع عقد، زن مالک مهریه شده و عندالمطالبه باید این دین را مرد پرداخت نماید. سیطره تصورات غلط، چشم و هم‌چشمی مهریه‌های فرا نجومی به بار آورده است. نداشتن مهارت کافی در حل معارضات خانوادگی و پایین بودن تاب‌آوری دختران جوان و والدین و مراجعه سریع به دادگاه‌ها جهت تحت فشار قرار دادن همسر با طرح مطالبه مهریه، آسیب‌های فراوانی به بار آورده است. از آن جایی که قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در جهت رسیدن افراد به مطالبات خود از پشتوانه سلب آزادی استفاده کرده؛ این قانون دستاویز دعاوی خانوادگی گشته است. این مقاله به روش تحلیلی و توصیفی از بعد فقهی و حقوقی به نقد سلب آزادی زوج در دعاوی مهریه پرداخته است. به نظر می‌رسد انحصار سلب آزادی به موارد عدم تأدیه عمدی مهریه با وجود تمکن مالی قابل دفاع بوده در بقیه موارد تلاش برای حل معضل اصلی خانواده با مراجعه به مشاور، و تقسیط و تمهیل در ادای دین به جای سلب آزادی شوهر بهتر می‌تواند به اهداف زندگی و ازدواج نائل آمده و قدمی در مسیر کاهش آمار طلاق و زندانیان برداشته شود.

کلمات کلیدی

حبس، مهریه، عندالمطالبه، عندالاستطاعه، نکاح، و عقد

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۶/۱

۲- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ارومیه، ارومیه، آذربایجان غربی، ایران (نویسنده مسئول)
e.azizi@urmai.ac.ir

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران
farhadabassi71@gmail.com

مقدمه

زندگی موهبتی الهی است. عشق و ازدواج نیز از نشانه‌های خدا برای رسیدن به آرامش است. خوشبختی دنیوی هر کس به موفقیت او در ازدواجش بستگی دارد. زیر بنای تکون جامعه، کشور و تمدن نیز خانواده است. با ازدواج زن و مرد دارای حقوق و تکالیفی می‌شوند که همه این حقوق و تکالیف برای نیل به مقصود ازدواج می‌باشد. یکی از حقوق مالی زن در ازدواج مهریه است. خانواده، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه اجتماعی جوامع بشری را تشکیل می‌دهد. جامعه با خانواده معنا پیدا می‌کند. به عبارتی خانواده، جامعه در مقیاسی کوچکتر است که حفظ و بقای جوامع بشری در گرو بقا و حفظ آن است. یک جامعه زمانی می‌تواند در راستای پیشبرد اهداف خود قدم بردارد، که تمام امور حول محور خانواده بچرخد. معیارهای توسعه یافتگی جوامع، رشد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی است. با اندکی تأمل درمی‌یابیم تحقق و رشد تمامی این معیارها در گرو پویایی و سرآمدی نهاد اجتماعی خانواده است؛ از اینرو به منظور توسعه جامعه باید خانواده‌ها پویا و سرآمد شوند، و این مهم ممکن نیست، مگر با وضع حقوق و تکالیف خاص برای اعضای خانواده.

شرع مقدس اسلام نیز که اهمیت ویژه‌ای برای ارتقا و توسعه جوامع مسلمان قائل است به منظور توسعه جوامع، حفظ و بقا خانواده، حقوق و تکالیفی برای اعضای آن وضع نموده است. حقوق ما نیز به تبعیت از اسلام قوانینی همسو با شریعت اسلام و مصلحت جامعه برقرار کرده است که از آن جمله مهریه می‌باشد که آثار و تبعات مختلفی بر جامعه دارد. مهریه مالی است که مرد در قبال ازدواج مکلف به پرداخت آن به زن است. ماهیت مهریه دین است و به محض نکاح بر ذمه مرد قرار می‌گیرد و وی مکلف به پرداخت آن است؛ به همین علت محکومان به تأدیه مهریه مشمول ماده ۱ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ می‌شوند و در صورتی که شوهر محکوم به تأدیه مهریه شود و با وجود حکم دادگاه و استطاعت مالی از پرداخت آن امتناع نماید تا زمان وصول محکوم به حبس می‌شود. مشکلات اقتصادی امروزه موجب گردیده است که تعداد زندانیان محکوم به مهریه به چهار هزار و ۲۸۱ نفر برسد^۱. که این تعداد نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲ برابر شده است. این درحالی

است که در طی دهه گذشته قوه مقننه و قضائیه سیاست کاهش شمار زندانیان را پیش گرفته‌اند و توانسته‌اند با ایجاد راهکارهایی همچون جایگزین حبس تا حدودی از تعداد محکومان به حبس بکاهند. این مهم می‌طلبد قانونگذار محترم با تدوین قوانینی روزآمد و کارآمد اولاً به توسعه فرهنگ ازدواج آسان و آسمانی با الگوگیری از زندگی ائمه اطهار اقدام نماید؛ ثانیاً با محدودسازی میزان مهریه، وضع مالیات سنگین بر مهریه‌های بالا، عدم ثبت مهریه‌های سنگین در قبالة ازدواج و استثناء نمودن مهریه از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ضمانت‌اجرای حبس را در خصوص مهریه حذف نماید. لذا در این مقاله بر آن شدیم تا با شناسائی دقیق مجازات حبس و جایگزین‌های آن و همچنین شناسائی موشکافانه مهریه اعمال حبس در خصوص مهریه را مورد بررسی قرار دهیم تا به طور علمی این امر را که اعمال حبس در مورد محکومان مهریه موجب برهم زدن نظم عمومی شده است و خلاف اخلاق حسنه می‌باشد به اثبات برسانیم.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- حبس

حبس در لغت به معنای منع، امساک و نگهداشتن است و توسط حقوقدانان به این نحو تعریف شده است: «سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود به طوریکه در زمان آن حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ج ۱۳، ص ۲۰۸).

۲- سلب آزادی

حبس عبارت است از سلب آزادی از محکوم علیه در اجرای حکم قطعی» (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۱، ۳۳). «یکی از مجازات‌های سالب آزادی حبس است که اغلب در جرائم تعزیری مورد استناد قرار می‌گیرد. بر حسب نوع جرم، حبس ممکن است دائم، غیر دائم یا موقت باشد و مدت آن از یک روز شروع می‌شود. «زندانی محلی است که در آن محکومان قطعی با معرفی مقامات ذیصلاح قضائی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به منظور اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند»^۱.

۱- آیین‌نامه جدید اجرائی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰/۴/۲۶.

۳- مهریه

«مهریه یا صداق که به فارسی کابین گفته شده است مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود» (صفائی و امامی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

۴- اعسار

واژه اعسار از ریشه «ع - س - ر» به ضم اول به معنای دشواری، شدت و تنگدستی، دسترسی به مال نداشتن و توانا به پرداخت وام نبودن می‌باشد و نقیض «یُسْر» به معنای تهی دستی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹۴۵).

۵- معسر

کسی که مالی ندارد و توانایی بر کسب نیز ندارد (جبعی عاملی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۳، ص ۴۴۵). معسر به کسی که جز خوراک روز و پوشاک بدن خود را مالک نیست اطلاق می‌گردد (مکی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۷۹). برخی حقوقدانان معسر را این‌گونه تبیین کرده‌اند: کسی که دارایی منقول و غیرمنقول خود را در دسترس داشته باشد، اما این دارایی برای پرداخت قروضش کافی نباشد؛ یا این‌که اموالش در دسترس نباشد. مانند مسافری که به کشور دیگری رفته و دچار مشکل مالی شده و در آنجا مال و اموالی نداشته باشد (رسائی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۳۷۵). در اصطلاح حقوقی اعسار، ناتوانی از پرداخت حق است؛ زیرا مدعی اعسار مالک چیزی بیشتر از مستثنیات دین نمی‌باشد (جبعی عاملی، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۲). ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اشعار می‌دارد معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین قادر به پرداخت دیون خود نباشد.

۶- دین

دین حقی است که شخصی مستقیماً بر شخصی دیگر پیدا می‌کند و به موجب آن می‌تواند انجام کار را از وی در خواست کند. صاحب حق را داین و ملزم را مدیون یا بدهکار می‌نامند. اصل حق نیز به اعتبار صاحب آن، طلب است؛ و به لحاظ مدیون، تعهد یا دین نام دارد و ممکن

است ناظر به انتقال مال، انجام کار یا خوداری امری باشد. داین تنها به وسیله مدیون می‌تواند حق خویش را اعمال کند و راه عملی آن الزام مدیون از طریق دادگاه است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۳۶، ۹).

هدف از حبس نمودن افراد

زندانی نمودن افراد یک مجازات است. اهداف اصلی مجازات‌ها مبارزه علیه بزهکاری و ایجاد نظم و امنیت در جامعه است. اما اهداف اختصاصی در اعمال کیفر: اصلاح بزهکار، حمایت جامعه از دو طریق الف- اصلاح فرهنگی بزهکار ب- مصون داشتن جامعه از شر بزهکار، ارباب بزهکار، ارباب دیگران و جلب رضایت مجنی علیه می‌باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۱، ۳۵). «شاید بتوان هدف‌های پیچیده و گاه آشتی‌ناپذیر کیفرها را حول سه محور خلاصه کرد: ترساندن، سزادادن و بازپروراندن. این هدف‌های سه گانه همواره در اجرای مجازات وجود داشته و دارد ولی تأکید بر یکی بیش از دیگری بر حسب زمان و مکان یکسان نبوده است» (اردبیلی، ۱۳۹۶، ص ۲، ۳۳).

چهار هدف از اعمال مجازات: انتقام جوئی، سزادهی، اصلاح و ارباب می‌باشد که می‌توان آنها را به دو دسته آینده‌نگر و گذشته‌نگر تقسیم کرد. ارباب و اصلاح ناظر به آینده، و سزادهی و انتقام جوئی ناظر به گذشته می‌باشند (حاجی ده آباری، ۱۳۹۰، ص ۴۸). با اندکی تأمل در تألیفات اساتید حقوق جزا به راحتی مشخص گردید که به طور معمول قانونگذار از وضع مجازات چهار هدف عمده و مهم را دنبال می‌کند: نخست پیشگیری از وقوع جرم، دوم اصلاح، سوم تشفی و تسکین درد جامعه و اشخاص، چهارم سزادهی. نخست پیشگیری از وقوع جرم: با وضع مجازات و با ایجاد ترس در توده مردم، آنها را از رفتن به سوی ارتکاب جرم منع می‌کند. دوم اصلاح: اگر شخصی^۱ به ارتکاب جرم اقدام نمود باید این شخص را به نحوی بازپروری نمود و اندیشه مجرمانه را از ذهن وی زدود.

۱- اعم از شخص حقوقی یا حقیقی.

سوم تشفی و تسکین درد جامعه و اشخاص: از طریق مجازات نمودن مجرم^۱.
چهارم سزادهی: با این منظور که مجرم با تحمل مشقت و درد، دیگر به ارتکاب جرم
نپردازد.

موارد اعمال حبس

با تدقیق در قانون مجازات اسلامی متوجه می‌شویم که یکی از رایج‌ترین مجازات‌ها زندان
می‌باشد. و کمتر جرمی است که مجازات آن حبس نباشد. شاید علت اصلی استفاده از حبس
به عنوان یک مجازات عام این تصور باشد که حبس می‌تواند زمینه اصلاح مرتکب را فراهم
نماید؛ چراکه با حبس نمودن مجرم، وی در اختیار مجری قانون قرار می‌گیرد و می‌توان با
برنامه‌های مختلف وی را بازپروری نمود و به آغوش جامعه بازگرداند. عمومیت اعمال
حبس به حدی است که حتی قانونگذار در مورد اجرای احکام مالی نیز از اهرم زندان استفاده
نموده است^۲.

ناکارآمدی حبس

در بخش قبلی هدف از مجازات‌ها ذکر گردید و بیان شد که به طور معمول وضع مجازات چهار
هدف^۳ مهم را دنبال می‌کند. امروزه با آسیب‌شناسی «حبس» کیفرشناسان به این نتیجه
رسیده‌اند که حبس، به جای این‌که باعث اصلاح مجرم شود؛ محلی برای فراگیری شیوه‌های
جدید ارتکاب جرم شده است و گه‌گاه ما شاهد ارتکاب جرم توسط زندانیان از داخل زندان
می‌باشیم. علاوه بر این می‌توان گفت: رشد بالای آمار زندانیان نشان از عدم موفقیت حبس در

۱- به عبارت دیگر همان انتقام جوئی.

۲- ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: «اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن
نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت
محکوم‌له حبس می‌شود...».

۳- سزادهی، اصلاح، ارباب، انتقام جوئی.

پیش‌گیری از وقوع جرم داشته است.^۱ «با این وجود برخی از کیفرشناسان عواملی هم‌چون افزایش فقر، بیکاری، بی‌سوادی، مهاجرت و ... را عامل افزایش بزهکاری می‌دانند که زندان در از بین بردن آنها هیچ نقش و تأثیری ندارد. تا وقتی که علل و زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد زندان از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد» (مرادی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۵-۱۷۶).

یکی دیگر از عوامل ناکارآمدی زندان، هزینه بالای ساخت زندان و نگهداری زندانیان است. به طوری که تخمین زده می‌شود با روند فعلی اگر کل هزینه‌های مربوط به سازمان زندانها را که شامل نیروی انسانی هزینه‌های رایج محاسبه کنیم به رقم چهار و نیم میلیون تومان در ماه می‌رسیم، که این رقم هزینه‌ای است که هر زندانی در ماه به کشور تحمیل می‌کند. حدوداً ۲۳۰ هزار زندانی وجود دارد به این ترتیب ماهانه ۱۰۰۰ میلیارد تومان هزینه نگهداری زندانیان در کشور است. در سال نزدیک ۱۳ هزار میلیارد تومان می‌شود یعنی تقریباً نصف همه بودجه آموزش و پرورش!^۲ این موارد و موارد عدیده دیگر موجب گردیده که قانونگذاران کشورهای مختلف به فکر ایجاد جایگزین‌های حبس باشند. خوشبختانه در طی سال‌های اخیر نظام حقوقی ما نیز به سوی جایگزین‌های حبس پیش می‌رود اما باز هم جای کار بسیار است و تا رسیدن به آرمان نهایی راه بسیار است.

آسیب‌های حبس

از انواع آسیب‌های درون زندان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- «در سال ۱۳۵۸ با ۳۷ میلیون جمعیت، ۸۵۵۷ نفر زندانی داشتیم، در سال ۱۳۶۰ با ۴۰ میلیون جمعیت، ۳۴ هزار و ۵۹۰ نفر در زندان‌ها بودند و در سال ۹۵ با ۷۸ میلیون جمعیت، ۲۲۲ هزار نفر جمعیت زندان‌ها بود. این موضوع نشان‌دهنده این است که اگرچه جمعیت کشور از سال ۶۴ تا ۹۵، ۶۶ درصد افزایش یافته اما آمار زندانیان ۳۳۳ درصد رشد داشته است. جمعیت زندانیان در هر ۱۰۰ هزار نفر در آسیا ۱۷۴ و در جهان ۱۶۸ نفر است. اما این رقم در ایران ۲۸۲ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است. در بین کشورهای اسلامی هم ایران در رتبه دوم قرار دارد و در آسیا ششم و در جهان چهل و یکم هستیم»:

تاریخ بازدید: ۱۳۹۷/۹/۲۵ www.tasnimnews.com
تاریخ بازدید: ۱۳۹۷/۹/۲۳ www.hamshahronline.ir

- ۱- جسمی: معمولاً در زندان امکانات درمانی لازم در دسترس نمی‌باشد، همین فقدان موجب امراض گوناگون و معلولیت‌های جسمی برای زندانیان می‌گردد.
- ۲- روحی- فرد زندانی، خانواده و سایر بستگان: بدلیل شرایط بد زندان و فشارهای روحی، زندانیان اغلب دچار افسردگی شده و یا مشکلات روانی پیدا می‌کنند. خانواده‌ها و بستگان آنان نیز به جهت دوری آنان و فشارهای روانی ناشی از این جهت، بعضاً دچار مشکلات روانی و افسردگی می‌شوند. چه بسا کانون‌های گرم خانوادگی که صرفاً به علت زندانی شدن همسر و یا سرپرستشان، دچار فروپاشی می‌شوند.
- ۳- بهداشتی: در زندان بدلیل تراکم جمعیت و فقدان سیستم بهداشتی و یا عدم رعایت آن از طرف زندانیان، امراض گوناگون چون پوستی، حساسیت، ایدز، هپاتیت، عفونی، سیل، تنفسی و ... شایع می‌باشد.
- ۴- اخلاقی: در اثر تراکم جمعیت، بسر بردن زندانیان در سالن‌های دسته جمعی، دوری زندانیان از خانواده‌ها و حضور افرادی که به اصول اخلاقی چندان پایبند نمی‌باشند، بسیاری از زندانیان دچار انحرافات اخلاقی و جنسی می‌شوند.
- ۵- اقتصادی - فرد، خانواده، جامعه و دولت: فردی که زندانی می‌شود از کار و فعالیت‌های اقتصادی بازمانده و درآمدهای اقتصادی او تعطیل می‌گردد. در نتیجه اقتصاد فرد، خانواده و جامعه آسیب‌پذیر شده و ضرر می‌بیند. همین‌طور دولت، برای ساخت زندان، گماردن زندانبان و مددکار، و همچنین هزینه‌هایی برای تهیه غذا و سایر موارد می‌نماید. در حقیقت هزینه‌های زیادی است که بر خزانه دولت تحمیل شده و اقتصاد دولت را تضعیف کرده و آسیب‌پذیر می‌نماید.
- ۶- تحصیلی: فردی که زندانی می‌شود، معمولاً از تحصیل باز می‌ماند، مخصوصاً اگر فرد زندانی از اقشار جوان و یا نوجوان باشد، و یا این که مشغول تحصیل باشد.
- ۷- از دست دادن کار و امنیت شغلی: افراد وقتی که راهی زندان می‌شوند کار و شغل خود را از دست می‌دهند، مخصوصاً که مدت محکومیت او طولانی باشد. حتی بعد از آزادی، باز هم مشکل کاری دارند چون که آنان را کسی به کار استخدام نمی‌کنند و با دید منفی به آنان می‌نگرند. و در ذهن‌شان از او یک چهره مجرم و خطرناک ترسیم می‌نمایند.

۸- آموختن روش‌های بزهکاری به صورت حرفه‌ای: در زندان مجرمان حرفه‌ای و افراد خطرناک حضور دارند، و از طرفی کنترل چندانی نیز وجود ندارد. این مسأله باعث می‌شود که افراد خطرناک دور هم جمع شده و گروه‌هایی را تشکیل داده و به آموزش آنان بپردازند، در نتیجه بسیاری از زندانیان بعد از آنکه از زندان آزاد می‌شوند نه تنها اصلاح نمی‌شوند بلکه روش‌های ارتکاب، بزهکاری و جرم را بصورت بسیار حرفه‌ای و سازمان یافته یاد می‌گیرند. مجازات حبس نتوانست اهداف مورد نظر را تأمین نماید، که همانا، اصلاح، تربیت و درمان مجرم، عبرت‌آموزی دیگران و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم و یا انجام آن بوسیله دیگران بود. بلکه زندان نه تنها نتوانست مجرمان را اصلاح و درمان نماید، بلکه خود به یک کانون آموزش بزهکاری و جرم تبدیل شد که زندانیان در آن مکان، روش‌های مختلف ارتکاب جرم را بصورت فنی و حرفه‌ای آموزش دیده و یاد می‌گیرند (عزیزی، ۱۳۹۶، ص ۴۴).

مهریه

مهریه به موجب قانون، مالی است که زوج (شوهر) به مناسبت عقد نکاح ملزم به پرداخت آن به زوجه (زن) است، اما این بدان معنی نیست که عقد نکاح بدون مهریه باطل باشد یا پس از عقد ازدواج تعیین مهر امکان نداشته باشد. پس از ازدواج نیز امکان تعیین و پرداخت مهر وجود دارد حتی اگر مهریه به دلیل کلی بودن یا غیرمشروع و غیرقانونی بودن یا مالیت نداشتن باطل شود نیز همچنان عقد ازدواج صحیح خواهد بود. و این با حالتی که همسر مهر خود را می‌بخشد تفاوت دارد.^۱

مهریه در روایات

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بهترین زنان امت من، خوبروترین و کم مهریه‌ترین آنان هستند» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ص ۵، ۹۱). بهترین مهریه، سبک‌ترین آن است^۲ (همانجا).

۱- ر.ک، آراد، ۱۳۴۱

۲- رسول الله (ص): أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجَهِهِنَّ وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا.

۳- خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ.

مهریه در آیات

راجع به مهریه آیات زیر آمده است: «و مهرهای زنان را با میل قلبی و به عنوان هدیه بدهید (گرچه فریضه واجب شما و عطیه الهی آنهاست) و اگر چیزی از آن را به رضای خاطر به شما ببخشند آن را نوش و گوارا مصرف نمایید»^۱ (نسا، ۴). در آیاتی نیز از مهریه به عنوان "اجر" یاد شده است از جمله: «ای پیامبر، (فعلاً هفت طایفه از زن‌ها را) بر تو حلال کردیم: آن همسران را که مهر آنها را پرداخته‌ای»^۲ (احزاب، ۵۰) «و آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید. در مورد میزان مهریه هم در آیات سخنی از محدودیت نیست»^۳ (نسا، ۲۵). خداوند در سوره نسا می‌فرماید: «و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟!»^۴ (همان، ۲۰). در این آیه از قنطار سخن رفته و در مورد میزان قنطار سخن فراوان است: گفته‌اند به اندازه چهل اوقیه^۵ طلا، هزار و صد دینار، ۱۲۰ رطل^۶ هزار و دویست اوقیه، هفتاد هزار درهم، هزار مثقال طلا یا نقره، هشتاد هزار درهم، مال زیاد و نامعلوم، یک مشک گاوی پر از طلا یا نقره^۷ (ابن منظور، ۱۴۰۸ هـ ص ۵، ۱۱۹) البته در روایات زیادی مهریه نشانه شومی زن شمرده شده و به کم بودن مهریه سفارش شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۵، ۵۶۱) تعیین مهریه را خود زوجین یا فرد دیگری می‌تواند به نمایندگی از آنها تعیین کند.

تعیین کننده مهریه، حتماً باید اهلیت داشته باشد. یعنی عاقل، بالغ و دارای قصد و رضا باشد. مهریه می‌تواند در نکاح دائم ذکر نشود. طرفین می‌توانند در این عقد شرط عدم مهر

۱- وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا .

۲- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ (احزاب، ۵۰).

۳- ...فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.

۴- وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَانَهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا.

۵- واحدی در قدیم.

۶- واحدی برای وزن در قدیم.

کنند. و هیچ خللی به آن وارد نیست. زوجین می‌توانند تراضی کنند که مهریه بعد از وقوع عقد نکاح تعیین شود.

بر اساس ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی، مهریه باید مالیت داشته و قابل تملیک باشد. زوج باید مالی را به عنوان مهریه قرار دهد که متعلق به خودش باشد و اگر متعلق به شخص ثالثی است، با رضایت آن شخص مورد مهر قرار بگیرد. اگر یک مال معین موضوع مهر قرار بگیرد، لزوماً باید در زمان تعیین مهریه موجود باشد. مال موقوفه نمی‌تواند مورد مهر قرار بگیرد. مهریه باید منفعت عقلایی داشته باشد. بنابراین اگر انجام عمل یا تعهدی هم دارای این ویژگی باشد، می‌تواند مورد مهر قرار بگیرد.

فلسفه مهریه

دادن مهر به زنان مسأله‌ای نیست که فقط اسلام آن را تأسیس کرده باشد، بلکه این مسأله پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد و در میان مردم و در سنن مختلف که ازدواج رواج داشته، متداول بوده است. سنت خود بشر بر این جاری بوده و هست که پول و یا مالی را که ارزش اقتصادی داشته باشد، مهریه زنان قرار دهند، و در حقیقت این پول را عوض عصمت او قرار دهند (طباطبائی، ۱۳۱۷هـ. ص ۴، ۱۶۹). با توجه به این‌که در عصر جاهلیت برای زنان ارزشی قائل نبودند، غالباً مهر را که حق مسلم زن بود در اختیار اولیای آنها قرار می‌دادند، و آن‌را ملک مسلم آنها می‌دانستند. گاهی نیز مهر یک زن را ازدواج زن دیگری قرار می‌دادند. به این‌گونه که مثلاً برادری، خواهر خود را به ازدواج دیگری در می‌آورد که او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواج وی درآورد، و مهر این دو زن همین بود. اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید، و مهر را یک حق مسلم برای زن در نظر گرفت، و در قرآن مردان را به رعایت کامل این حق توصیه کرده است: «مهر زنان را به طیب خاطر به آنها بدهید. و اگر پاره‌ای از آن‌را با کمال رضایت به شما بخشیدند بگیرید که خوش و گوارایتان باد» (نساء، ۴). البته، در اسلام برای مهر مقدار معینی تعیین نشده است، بلکه این موضوع بسته به توافق زوجین دارد،

۱- وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّن لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا.

اگر چه در روایات فراوانی تأکید شده است که مهر را بسیار سنگین قرار ندهید^۱، ولی این یک حکم الزامی نیست، بلکه از مستحبات به شمار می‌رود. با توجه به این مسأله نباید تصور کرد که مرد و زن هر دو از ازدواج و زناشویی به طور یکسان بهره می‌گیرند، و پیوند زناشویی پیوندی است بر اساس منافع متقابل طرفین؛ لذا چه دلیلی دارد که مرد مبلغ کم یا زیادی را تحت عنوان مهر به زن پرداخت کند؟ و این موضوع به شخصیت زن لطمه می‌زند، و شکل خرید و فروش به ازدواج می‌دهد؟! در پاسخ این تصور باید گفت: اگر چه که مرد و زن هر دو از زندگی زناشویی به طور یکسان سود می‌برند، ولی نمی‌توان انکار کرد که در صورت جدایی زن و مرد، زن متحمل خسارت بیشتری خواهد شد؛ زیرا اولاً: مرد براساس استعداد خاص بدنی معمولاً در اجتماع نفوذ و تسلط بیشتری دارد؛ وضع زندگی اجتماعی بشر را که مشاهده می‌کنیم - حتی در جوامعی که زنان به اصطلاح از آزادی کامل برخوردارند - نشان می‌دهد که مشاغل پُر درآمد بیشتر در دست مردان است؛ ثانیاً: مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند، ولی زنان بیوه، به ویژه با گذشت قسمتی از عمرشان و از دست رفتن سرمایه جوانی و زیبایی، امکاناتشان برای انتخاب همسر جدید کمتر است. با توجه به این جهات روشن می‌شود که امکانات و سرمایه‌ای را که زن با ازدواج از دست می‌دهد بیش از امکاناتی است که مرد از دست می‌دهد، و در حقیقت مهر چیزی به عنوان جبران بخشی از خسارت زن و وسیله‌ای برای تأمین حداقل‌های زندگی آینده او است؛ ثالثاً: علاوه بر این؛ مهر معمولاً اهرمی در برابر تمایلات مرد نسبت به جدایی و طلاق محسوب می‌شود. درست است که مهر از نظر قوانین اسلام با برقرار شدن پیمان ازدواج به ذمه مرد تعلق می‌گیرد و زن فوراً حق مطالبه آن را دارد، ولی چون معمولاً به صورت بدهی بر ذمه مرد می‌ماند، هم اندوخته‌ای برای آینده زن محسوب می‌شود، و هم پشتوانه‌ای برای حفظ حقوق او و از هم نپاشیدن پیمان زناشویی است. البته این موضوع استثنائاتی دارد، اما آنچه گفته شد در غالب موارد صادق است. لذا در اسلام مهر به هیچ وجه جنبه بها و قیمت کالا ندارد، و بهترین دلیل آن همان صیغه عقد ازدواج

۱- مانند: «در مهریه‌های زنان، زیاده‌روی نکنید؛ چرا که زنان، در واقع، باران خداوند سبحان‌اند» (شریف الرضی، ۱۴۲۲هـ/ ۱۷۷).

است که در آن رسماً مرد و زن به عنوان دو رکن اساسی پیمان ازدواج به حساب آمده‌اند، و مهر یک چیز اضافی و در حاشیه قرار گرفته است؛ به همین دلیل اگر در صیغه عقد، اسمی از مهر نبرند عقد باطل نیست؛ بنابراین، مهر جنبه جبران خسارت و پشتوانه‌ای برای احترام به حقوق زن دارد، نه قیمت و بها^۱. در همین راستا باید گفت؛ تعبیر قرآن از مهر به واژه «صداق» در حقیقت اشاره به فلسفه آن است که «مصادقت» در تعهد زوجیت است. به بیان دیگر؛ مهر و یا صداق، نشانی از راست‌گویی مرد در پیمان خود به تشکیل خانواده است؛ زیرا ممکن است مردی، خانمی را به رؤیاهای شیرین ازدواج بفریبد و چون به کام دل خود رسید به دست فحشایش رها سازد. مرد باید برای اثبات صداقت خود در محبت زن و حسن نیتش در ادعای زناشویی، مالی را بر عهده گیرد و این مال همان مهر است (مدرسی، ۱۳۷۷، ص ۲، ۲۳). البته، در برخی از روایات فلسفه مهر برای زنان، نصف بودن ارث آنان نسبت به مردان عنوان شده است، تا از این طریق جبران نصف ارث آنها شده باشد: «عبدالله بن سنان، می‌گوید به امام صادق (ع) گفتم برای چه میراث مذکر دو مقابل میراث زن قرار داده شده؟ آن حضرت فرمودند: «زیرا در مقابل آن خداوند برای زنان مهریه قرار داده است»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ص ۲، ۵۷۰).

اندازه و میزان مهریه و مهر السنه

به اجماع مسلمانان شارع مقدس اسلام حد و اندازه حدقلی و حداکثری برای مهریه به صورت الزامی معین نکرده است. تنها پانصد درهم را به عنوان مهر السنه معرفی کرده‌اند. که از اسمش مستحب بودن مراعات آن مقدار معلوم می‌شود. همین رویه نیز باعث شد قانونگذار نتواند حد و اندازه حداکثری برای مهریه تعیین کند. تعیین مهریه به اختیار زوجین و خانواده‌ها واگذار شده است. که در اعصار اخیر سیطره تصورات غلط، جهالت و چشم و هم چشمی مهریه‌ها ی فرا نجومی به بار آورده است.

۱- ر. ک: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، ۱، ۲۶۳-۲۶۵.

۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): قَالَ قُلْتُ يَا عَلِيُّ صَارَ الْمِيرَاثُ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حِظِّ الْأُنثِيَيْنِ قَالَ لِمَا جُعِلَ لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ.

استحقاق زن بر مهریه

مهریه در صورتی که یک مال معین^۱ باشد، به محض وقوع عقد متعلق به زن است و زن می‌تواند در آن تصرف کند. حتی اگر زن بعد از گذشت مدتی مهریه عین معین را مطالبه کند، می‌تواند منافع آن را نیز بخواهد. بنابر اصل تمام تعهدات عندالمطالبه است و باید بعد از وقوع عقد انجام شود. بنابراین مهریه باید بعد از وقوع عقد به او پرداخت شود. گاهی مهریه به صورت عندالاستطاعه تعیین می‌شود. در این حالت قدرت اجبار مرد به پرداخت مهریه از بین می‌رود. اگر مهریه عندالمطالبه باشد، زن می‌تواند از حقی که به «حق حبس» معروف است استفاده کند. در این حالت زن می‌تواند تا زمانی که مهریه را دریافت نکرده، از شوهرش تمکین نکند. اگر زن از این حق استفاده کند و دادگاه به دلیل عدم توان مالی مرد، مهریه را تقسیط کند، زن می‌تواند تا پایان پرداخت اقساط، همچنان از تمکین خودداری کند.

اگر زن مهریه را به صورت کامل دریافت کند، اما پیش از وقوع نزدیکی از همسرش جدا شود، باید نصف مهریه را به شوهر برگرداند. چون عدم وقوع نزدیکی، مانع استحقاق کامل زوجه نسبت به مهریه است. در حقیقت مالکیت زن بر مهریه متزلزل است تا زمانی که نزدیکی واقع شود. اگر نکاح دائم یا موقت به هر دلیلی باطل باشد، زن مستحق دریافت مهریه نیست و اگر قبلاً آن را دریافت کرده باشد، شوهر می‌تواند آن را پس بگیرد. اگر زن از بطلان نکاح آگاه نباشد و نزدیکی رخ بدهد، بر اساس ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی، زن استحقاق مهرالمثل دارد. در صورت وفات زوج بعد از نزدیکی، زن مستحق تمام مهریه است. در مورد فوت قبل از نزدیکی قانون ساکت است، اما طبق نظر ولی فقیه زن مستحق نصف مهریه است. اگر ازدواج پیش از نزدیکی فسخ شود، زن مستحق مهریه نیست. مگر اینکه فسخ به دلیل «عنن» مرد باشد که نصف مهریه متعلق به زن است.

مالکیت زن بر مهر

طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع

۱- عین معین.

تصرفی که بخواهد در آن بنماید» ضمناً هرچند زن به محض تحقق عقد نکاح دائم مالک کل مهریه می‌گردد لکن برابر ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی تا زمانی که رابطه زناشویی فی مابین زن و شوهر برقرار نشده اگر مرد زن را طلاق بدهد زن فقط مستحق نصف مهریه خواهد بود. اما از آنجا که برابر ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی، در صورت طلاق نصف مهر به مرد برمی‌گردد، باید گفت که: مالکیت زن بر نصف مهر متزلزل است و با فوت یکی از زوجین تحقق یا نزدیکی جنسی مستقر می‌شود.

ضمانت اجرای عدم پرداخت مهر

الف- حق حبس برای زوجه

در صورت عدم پرداخت مهریه زن می‌تواند از انجام وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع نماید. براساس ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حال باشد و این امتناع از تمکین مسقط حق نفقه نخواهد بود.

با توجه به این ماده می‌توان گفت شرط اجرای حق حبس، حال بودن مهر است و هرگاه مهر مؤجل باشد زن حق حبس نخواهد داشت. و همچنین به صرف انعقاد نکاح و حال بودن مهر زن می‌تواند تا پرداخت کامل مهر از انجام وظایف خویش امتناع کند.

طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخه ۱۳۹۰/۲/۱۳ دیوان عالی کشور، منظور از وظایف در ماده فوق‌الذکر، مطلق وظایف زن در مقابل شوهر است. همچنین براساس رأی وحدت رویه شماره ۷۰۸ مورخه ۱۳۸۷/۵/۲۲ دیوان عالی کشور تقسیط مهر موجب اسقاط حق حبس زن نخواهد بود.

ب- بازداشت زوج

از آنجا که مهریه دینی بر گردن شوهر می‌باشد؛ و وی ملکف به پرداخت آن است، محکومان به تأدیه مهریه مشمول قانون اجرای احکام مالی می‌شوند. ماده ۱ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ اشعار دارد: «هر کس به موجب حکم دادگاه به

دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هرگاه محکوم به عین معین باشد آن مال أخذ و به محکوم‌له تسلیم می‌شود و در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد، اموال محکوم‌علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم به یا مثل یا قیمت آن استیفاء می‌شود».

«اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد؛ محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد؛ حبس نمی‌شود، مگر این‌که دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود».

با توجه به مواد فوق‌الذکر می‌توان اظهار داشت در صورتی که شوهر محکوم به تأدیه مهریه شود و با وجود حکم دادگاه و استطاعت مالی از پرداخت آن امتناع نماید تا زمان وصول محکوم به حبس می‌شود. اما در همین راستا باید به ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده نیز توجه نمود و شرایط آن را نیز رعایت کرد.

ماده ۲۲ قانون جدید حمایت خانواده پیش‌بینی کرده است که «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است». البته با صدور رأی وحدت رویه‌ای از سوی دیوان عالی کشور، امکان رسیدگی هم‌زمان دادخواست مطالبه مهریه و اعسار از پرداخت آن فراهم شد که همین امر باعث تعدیل اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و تعدیل تعداد زندانیان مهریه شد. باید اذعان داشت که عدد صد و ده سکه در این قانون دارای هیچ پشتوانه شرعی و منطق حقوقی خاصی نبوده و صرفاً یک صلاحدید مصوب کنندگان آن بوده است. با افزایش قیمت سکه قیمت صد و ده سکه تا نیم میلیارد تومان می‌شود که پرداخت آن از عهده اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه خارج است. و این قانون حمایت از

خانواده دقیقاً بر ضد خانواده و در جهت تخریب خانواده به کار گرفته شد.

حبس مدیون

ضمانت اجرای عدم ایفای دین

اگر مدیون با وجود ملائت از ادای دین خودداری کند به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مال مصوب ۱۳۹۴ حبس می‌گردد. این حکم در خصوص مردی که حاضر به پرداخت مهریه زوجه خویش نمی‌باشد نیز جاری است؛ چرا که مهریه نوعی دین بر ذمه زوج است که وی برحسب نوع^۱ آن به تقاضای زوجه ملزم به پرداخت آن است. «بر اساس جستجوی جامعی که در مجامیع روایی و کتابهای فقهی انجام شد، تنها یک مورد وجود داشت که بحث از حبس زوج در باب مهر به میان آمده بود؛ و آن، جایی است که زوجین درباره اصل مهر پس از دخول، اختلاف دارند و زوج، منکر مهر است. اینجا برخی مانند علامه در تحریر، تفصیل داده‌اند و گفته‌اند: چنانچه زوج تعیین مهر را قبول کند، مجبور به تفسیر می‌شود اما اگر هیچ پاسخی ندهد حبسش می‌کنند تا بیان کند اما بسیاری نیز مانند صاحب جواهر، ضمن نقد جامع این دیدگاه، گفته‌اند چنین حبسی تعجیل عقوبتی است که سبب ندارد» (گوهری و ناصری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳، ۱۷۵). در همین راستا به ذکر دو استفتا از مراجع عظام تقلید می‌پردازیم:

استفتاء از آیت الله صافی گلپایگانی: «سلام علیکم به عرض می‌رساند با تأسف فراوان تعداد زیادی از مردم به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه در زندان هستند. آیا زندانی نمودن این افراد از نظر شرع مقدس اسلام و جاهت شرعی دارد یا خیر؟ جمعی از مؤمنین پاسخ معظم له: بسم الله الرحمن الرحيم علیکم السلام و رحمه الله، به طور کلی کسانی که توانایی پرداخت دیون خود را ندارند (چه مهریه باشد و چه دیون دیگر) زندانی نمودن آنها شرعاً جایز نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (استفتائاتی پیرامون حبس بدهکاران، ۱۳۹۷/۹/۲۵، www.saafti.com).

۱- عندالاستطاعة، عندالمطالبة.

پرسش از آیت الله مکارم شیرازی: «آیا زن می‌تواند قبل از دریافت مهریه از تمکین خودداری نماید؟»

پاسخ ایشان: در صورتی که رابطه زناشویی بین زن و شوهر انجام نشده و مهریه عندالمطالبه باشد و زن مطالبه کند، شوهر باید بپردازد؛ اگر نپرداخت بنابر مشهور زن می‌تواند تمکین نکند. اما اگر برای دادگاه ثابت شود که شوهر توان پرداختن نقدی مهریه را ندارد آن را مطابق توان مالی زوج تقسیط می‌کند و زوج با دریافت اولین قسط باید تمکین کند وگرنه ناشزه است و حق نفقه ندارد و مرد می‌تواند ازدواج مجدد داشته باشد» (تقسیم مهریه، ۲۰/۹/۱۳۹۷، www.makarem.ir).

حبس در دین اسلام و نظام جزایی شرعی

هر چند که حبس و زندان تاریخی به درازای عمر بشریت و حکومت در روی کره زمین داشته و بحث از زندان در قرآن کریم نیز در مورد زندانی شدن یوسف پیامبر(ص) مطرح گشته است. آشنایی و غور در قوانین جزایی و کیفری اسلام در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام و به تبع آن کلمات فقها در ابواب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات نشان می‌دهد که شاکله اصلی مجازات‌های اسلامی بر محور زندان نبوده و مجازات‌های نقدی و آنی از قبیل شلاق استوار است. رسوخ محکومیت به زندان ارث سلاطین و نظام حقوقی مغرب زمین بوده است.

ادله اعسار

در خصوص ادله اثبات دعوی ماده ۱۲۸۵ ق م می‌گوید: دلایل اثبات دعوی اعسار از قرار ذیل است:

۱- اقرار؛ ۲- اسناد کتبی؛ ۳- شهادت؛ ۴- امارات؛ ۵- قسم.

مستثنیات دین

اموالی که نمی‌توان آن را برای ادای دیون مدیون و مفلس فروخت و ثمن آن را علی‌رغم

اراده بدهکار، به بستانکاران داد/جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۱۵).

باتوجه به مطالب فوق مستثنیات دین عبارتند از: خانه، لباس، چهارپای سواری چنانچه در شأن و مورد احتیاج او باشد و نیز اثاث البیت در حد ضرورت، بارعایت شأن شخص. ملاک کلی آن است که هر وسیله‌ای که برای شخص ضروری باشد به نحوی که اگر بفروش آن مجبور شد در عسرو حرج قرار می‌گیرد جزء مستثنیات دین است/موسوی خمینی، ۱۳۷۰، مسأله ۱۰. قاعده عسر و حرج یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است که در بسیاری از ابواب فقهی جریان داشته و مبنای فقهی اعسار بشمار می‌رود.

اقوال فقها در مورد حبس مدیون

روایات فراوانی درباره حبس مدیون وارد شده که لسان واحدی ندارند و از همین روی، اقوال متفاوتی در مسأله، پیدا شده است. این روایات را نخست می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: روایاتی که در رابطه با حبس ابتدایی مدیون صادر شده است و روایاتی که درباره حبس مدیون توانگر وارد گردیده است. طبیعی است که بحث حبس مدیون در جمیع حالات، زمانی مطرح می‌شود که وی عندالمطالبه، از پرداخت تعهدش به هر دلیل، استتکاف ورزد؛ اما پیش از ورود به اصل موضوع، به دو حکم تکلیفی که در باب دین، مقرر شده نظری افکنده می‌شود.

۱- تکلیف مدیون در ادای تعهد

یکی از مسلمات فقه اسلامی، وجوب پرداخت دین است. پرداخت دین هم از منظر تکلیفی، یک واجب مؤکد و هم از نگاه وضعیات، مُبرءِ ذمه و مُسَقِطِ ضمان است. معاویه بن وهب می‌گوید به امام صادق(ع) گفتم: آیا این قضیه‌ای که برای ما نقل شده است، واقعیت دارد؟ مردی از انصار از دنیا رفت و چون دو دینار قرض بر ذمه داشت، پیامبر(ص) بر او نماز نخواند و فرمود: بر دوستتان نماز بخوانید تا خویشانش دینش را بپردازند. حضرت فرمود: بله این حقیقت دارد/حر عاملی، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۳، ص ۷۹.

۲- نهی از تأخیر در پرداخت دین

بعد از تأکید روایات در لزوم پرداخت دین، نهی از ماطله و امروز و فردا کردن در ادای دین، دومین مسأله مهمی است که آموزه‌های دینی بدان عنایت کرده اند. پیامبر(ص) می‌فرماید: کسی که حق صاحب حقی را درحالی که می‌تواند پرداخت کند، ادا نکند، برای هر روز تأخیرش، بر او گناه مالیات بگیر ظالم نوشته می‌شود(ابن بابویه، ۱۴۲۵هـ ج ۱، ص ۳۵۱). این گزاره از پیامبر اکرم(ص) نیز مشهور است: *مَطَّلَ الْمُسْلِمَ الْمَوْسِرَ ظَلَمَ لِلْمُسْلِمِينَ*: امروز و فردا کردن مسلمان(بدهکار) توانگر، یک نوع ستم برای مسلمانان است(حرعاملی، ۱۴۱۴هـ ج ۱۸، ص ۳۴۳).
ظاهراً همه فقیهان اتفاق دارند که در صورت معلوم بودن اعسار و ناداری مدیون، حبس او روا نیست

حبس بدهکار در صورت چهل به اعسار و ایسار وی

اما افق دوم بحث، جایی است که اعسار و ایسار بدهکار، نامعلوم باشد. فقیهان امامیه بر اساس نوع برداشتی که از نصوص داشته‌اند، در مواجهه با این موضوع، در دو گروه جای می‌گیرند:

گروه بسیاری از فقیهان امامیه، فتوا به جواز حبس مدیون مجهول الحال داده‌اند. از جمله شیخ ابن بابویه، شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، سالاربن عبدالعزیز، محقق حلی، علامه حلی، شهید اول، شیخ بهایی، سید علی طباطبایی، محقق خوانساری، محقق عراقی، در این گروه جای دارند. اما در مقابل، گروهی هستند که این عمل را مخالف اصول مذهب و بنیان‌های قطعی فقه می‌شمارند. یکی از این افراد، ابن ادریس حلی است که در سخنی، به شدت به جواز حبس مدیون اعتراض می‌کند(عزیزی، ۱۳۹۸، ص ۳۷).

حبس مدیون (ماده ۳ قانون مذکور)

الف- از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که: ریختن آبرو و مجازات کردن کسی که مال دار است و از دادن بدهی خود امتناع می‌کند و طلبکار را دست به دست می‌گرداند رواست.(حرعاملی، ۱۴۱۴هـ ج ۱۸، ص ۳۳۴).

- ب- امام علی(ع) در بدهکاری بدهکار را زندانی می‌کرد، بعد که نیازمندی و افلاس او مشخص می‌شد، او را رها می‌کرد تا مالی به دست آورد/همان، ص ۱۷۴).
- ج. امام علی(ع) وقتی کسی نسبت به پرداخت دین به طلبکار خود ملاحظه می‌کرد او را زندانی می‌نمود/بحرانی، ۱۳۶۹، ج ۲۰، ص ۱۲۴).

نتیجه‌گیری

مفاهیم مهریه، معسر، محکوم، حبس؛ تعریف و مورد بررسی قرار گرفتند. مهریه، عطیه یا هدیه‌ای از جانب مرد به زن است که نشان‌دهنده محبت و علاقه مرد به زن است و به محض انعقاد عقد نکاح، زن مالک آن می‌شود؛ مهریه میزان معین و محدودی ندارد و مهریه نوعی دین بر گردن شوهر است. با افزایش غیر معقول مهریه‌ها و ظهور مهریه‌های نجومی و افزایش قیمت سکه امکان مهریه‌های سنگین برای جوانان وجود ندارد. در دعاوی خانوادگی به جای حل اختلافات فی ما بین مطالبه مهریه به ابزاری برای تحت فشار قرار دادن شوهر تبدیل شده است. و اجبار و الزام به پرداخت و سلب آزادی مرد به دلیل عدم پرداخت مهریه باعث افزایش آمار زندانیان و طلاق گردیده است.^۱ نکاح عقدی است که به موجب آن سنگ بنای جامعه یعنی خانواده شکل می‌گیرد و باید حساب آنرا از سایر معاملات مالی صرف جدا نمود و حفظ آن از اولویت دو چندان برخوردار است؛ چرا که هدف و فلسفه نکاح کسب سود و منفعت نیست، بلکه طبق کلام خداوند، تکامل انسان و مایه آرامش همدیگر قرار گرفتن

۱- «هر کس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هرگاه محکوم به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم‌له تسلیم می‌شود. در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد، اموال محکوم علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم به یا مثل یا قیمت آن استیفا می‌شود» (ماده ۱ قانون نحوه محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴). اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود. چنانچه محکوم علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر این که دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود» (ماده ۲ قانون نحوه محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴).

زوجین است؛^۱ به همین دلیل حبس زوج^۲ که مخصوص مجرمان مالی است باعث سست شدن بنیان خانواده و بروز مشکلات اجتماعی عدیده از جمله بی‌سرپرست شدن خانواده‌ها، رشد بالای زندانیان و به تبع آن بالا رفتن هزینه نگهداری زندانیان^۳، نگهداری پدران و افراد فرهیخته در محیطی که محل نگهداری مجرمین است، از بین رفتن محبت و عاطفه‌ها^۴، افزایش نرخ طلاق، ترس از ازدواج در میان جوانان مجرد، عدم تمایل به ازدواج سنتی و رواج پدیده‌ها بی‌همچون ازدواج سفید و کلی آسیب دیگر؛ از این رو می‌طلبد قانونگذار با وضع مالیات سنگین بر مهریه‌ها^۵ بالا، محدود نمودن میزان مهریه، عدم ثبت مهریه‌ها^۶ سنگین در قباله نکاح، پرداخت وام‌های بلاعوض جهت تهیه جهیزیه به دختران با مهریه‌های پائین، حذف ضمانت اجرای زندان در خصوص مهریه، این سنت ناپسند را تا حدی از جامعه بزداید.

منابع

قرآن کریم

- آراد، علی (۱۳۴۱). مهر: تاریخچه و ماهیت و احکام آن از نظر حقوق مدنی ایران و مقایسه با مذاهب مختلفه. تهران: مصطفوی.
- آیین‌نامه جدید اجرائی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰/۴/۲۶.

۱- «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» روم، ۲۱. هدف از ازدواج، تنها ارضای غریزه‌ی جنسی نیست، بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی است. «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (قرآنی، ۱۳۸۱، ۷، ۱۸۸). «لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، هریک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند» (همان، ۱، ۲۹۲).

۲- در موارد عدم پرداخت مهریه توسط مرد.

۳- بخش قابل توجهی از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

۴- با حضور زوج در زندان حرمت و احترام بین زوجین از بین رفته و اغلب مردانی که بر اثر عدم تأدیه مهریه حبس می‌شوند دیگر تمایلی به زندگی کردن با زوجه خویش را نداشته و اقدام به طلاق می‌کنند.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۲۵هـ). امالی، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- _____ (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. جلد دوم. قم: کتاب فروشی داوری
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۹). *حداثق الناضره فی احکام العتره الطاهره (جلد ۲۰)*، قم: الجماعة المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد (۱۴۱۴هـ). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- _____ (بی تا)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه*. دارالعلم اسلامی. بیروت.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جهانگیر، منصور. *قانون مجازات اسلامی* (۱۳۸۰). تهران: نشر دیدار.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۰). «تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام». *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲(۴)، ص ۶۸-۴۷.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴هـ). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۷۸). *تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه* (تحقیق ابراهیم بهادری). جلد اول. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران*.
- رسائی نیا، ناصر (۱۳۹۱). *حقوق تجارت*، تهران: آوای نور.
- شریف الرضی، محمد بن حسین و صبحی صالح (۱۴۲۲هـ). *المجازات النبویه*، قم: دارالحدیث.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷هـ *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزیزی، ابراهیم و عزیزی، مهدی (۱۳۹۶). *محکومیت زندان در قتل غیر عمد در حقوق ایران و فرانسه*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ارومیه.
- عزیزی، ابراهیم و فضلای، امین (۱۳۹۸). *اعسار از منظر فقه و حقوق اسلامی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ارومیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر سوره نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *اموال و مالکیت*. تهران: میزان.
گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۰). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. تهران: نشر میزان.
گوهری، داود و ناصری، حسین (۱۳۹۴). «نقدی بر دیدگاه لزوم حبس مدعی اعسار در پرداخت مهریه»، *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، ۴۷ (۱۰۳)، ص ۱۷۸-۱۵۹.
لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۲). *دائرة المعارف علوم اسلامی*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۳). *میزان الحکمه*، جلد پنجم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مرادی، قاسم و محمد حسین مرادی (۱۳۹۷). «عوامل عملی و نظری ناکارآمدی کیفرحبس»، *فصلنامه علمی حقوقی*، تهران: ش ۵. ص ۱۷۳-۱۹۹.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، جلد اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
موسوی خمینی، روح اله (۱۳۷۰). *تحریرالوسیله*، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
قانون حمایت خانواده، ۱۳۹۵.

قانون مدنی ایران، ۱۳۹۵.

قانون نحوه محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴.

پایگاه‌های اینترنتی:

استفتائاتی پیرامون حبس بدهکاران:

www.saafi.com آخرین بازدید ۱۳۹۷/۹/۲۵

تقسیم مهریه:

www.makarem.ir آخرین بازدید ۱۳۹۷/۹/۲۰

www.hamshahronline.ir آخرین بازدید ۱۳۹۷/۹/۲۳

www.tasnimnews.com آخرین بازدید ۱۳۹۷/۹/۲۵

www.tabnak.ir آخرین بازدید ۱۳۹۷/۹/۲۷

www.yjc.ir آخرین بازدید ۱۳۹۷/۹/۲۵

www.mizan.hadith.net آخرین بازدید ۱۳۹۷/۹/۲۷